

این آیین نامه در اجرای بند پنجم حکم مورخ ۳/۲/۱۳۷۹ مقام معظم رهبری (مدظله العالی) (پیوست حکم مورخ ۱۰/۳/۱۳۷۹ رئیس قوه قضائیه) مبنی بر تعیین بخشی از مصادیق اموال مربوط به ولی فقیه و اختیارات محاکم رسیدگی کننده بر اساس فتاوی و فرامین و دستورالعمل‌های ابلاغی از ناحیه حضرت امام^{ره} (و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و قوانین جاری به عنوان ضوابط لازم‌الاجرا توسط ستاد نظارت و پیگیری پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ تدوین که پس از تصویب و ابلاغ رئیس قوه قضائیه لازم‌الاجرا می‌باشد.

فصل اول- تشکیلات

ماده ۱- به منظور رسیدگی به پرونده‌های مربوط به اموال در اختیار ولی فقیه شعبی از دادگاه‌های انقلاب اسلامی در تهران و مراکز استانهای کشور و در صورت لزوم در شهرهای بزرگ با تشخیص رئیس قوه قضائیه تعیین که حدود اختیارات و نحوه عمل آن به شرح مواد آتی می‌باشد.

ماده ۲- هرگاه دادگاه دارای شعب متعدد باشد مسئولیت ارجاع پرونده‌ها به عهده رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی اصل ۴۹ و یا هر یک از قضاتی که ریاست قوه قضائیه تعیین نماید، می‌باشد.

تبصره -دادگاه انقلاب اسلامی ملزم است امکانات لازم و نیازمندی‌های این محاکم را تأمین نماید.

ماده ۳- شعبی از دادگاه‌های تجدیدنظر استان تهران و دیوانعالی کشور به عنوان مرجع تجدیدنظر آرای دادگاه‌های بدوی سراسر کشور تعیین می‌گردند.

تبصره -قضات دادگاه‌های بدوی، تجدیدنظر و دیوانعالی کشور با پیشنهاد ستاد نظارت و پیگیری پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ و ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب خواهند شد.

ماده ۴- اجرای احکام صادره به عهده واحد اجرای احکام است که شعب آن به حسب نیاز متعدد خواهد بود و ریاست آن به عهده سرپرست اجرای احکام اصل ۴۹ سراسر کشور که با ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب می‌گردد، می‌باشد.

الف- اعضای واحد اجرای احکام با ابلاغ داخلی سرپرست اجرای احکام اصل ۴۹ سراسر کشور تعیین می‌شوند.

ب- سرپرست اجرای احکام می‌تواند ارجاع پرونده‌های اجرائی را به معاون خود و یا به قاضی دیگر محول نماید.

ج- به منظور حسن جریان رسیدگی به پرونده‌های اصل ۴۹ تغییر و جابجایی کارمندان اداری دادگاه‌ها و اجرای احکام و پرداخت اضافه کاری قضات و کارمندان با هماهنگی رئیس ستاد نظارت و پیگیری اصل ۴۹ انجام می‌شود.

فصل دوم- صلاحیت

ماده ۵- صلاحیت دادگاه‌های مذکور به قرار زیر است:

- رسیدگی به پرونده‌های موضوع اموال در اختیار ولی فقیه.
- رسیدگی به پرونده‌های موضوع اصل ۴۹ قانون اساسی.
- رسیدگی به دعاوی اشخاص موضوع رأی وحدت رویه ۵۸۱ مورخ ۲/۱۲/۱۳۷۱

رای وحدت رویه ۵۸۱ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

دادگاه‌های انقلاب اسلامی که به فرمان مبارک امام راحل رضوان... تعالی علیه و مصوبه ۱۳۵۸/۳/۲۷ شورای انقلاب تشکیل شده‌اند برطبق اصل (۱۶۱) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تحت نظارت دیوان عالی کشور به جرایمی که در اصل (۴۹) قانون اساسی و قانون حدود صلاحیت

دادسراها و دادگاه‌های انقلاب مصوب ۱۳۶۲/۲/۱۱ مجلس شورای اسلامی معین شده رسیدگی می‌نمایند و صلاحیت آنها نسبت به صلاحیت دادگاه‌های عمومی دادگستری اعم از حقوقی و کیفری از نوع صلاحیت ذاتی است.

احکام صادره از دادگاه‌های انقلاب در بعضی موارد علاوه بر جنبه کیفری و مجازات مرتکب واجد جنبه حقوقی هم می‌باشد و اموال نامشروع او را نیز شامل می‌شود.

در چنین موردی هر نوع ادعای حقی که از طرف اشخاص حقیقی یا حقوقی نسبت به این اموال عنوان شود ولو به ادعای خارج بودن آن مال از دارایی نامشروع محکوم‌علیه باشد رسیدگی آن برحسب شکایت شاکی و طبق ماده (۸) و تبصره ماده (۵) قانون نحوه اجرای اصل (۴۹) قانون اساسی مصوب ۱۷/۵/۱۳۶۳ با دادگاه صادرکننده حکم می‌باشد و دادگاه انقلاب پس از رسیدگی اگر صحت ادعا را تشخیص دهد برطبق ذیل اصل (۴۹) قانون اساسی مال را به صاحبش رد می‌کند. و الاً به بیت‌المال می‌دهد. بنا به مراتب مزبور هیأت عمومی وحدت‌رویه دیوان‌عالی کشور براساس ذیل ماده واحده قانون وحدت‌رویه قضایی مصوب ۷/۴/۱۳۲۸ در رأی وحدت‌رویه شماره ۵۷۵ مورخ ۲۹/۲/۱۳۷۱ تجدیدنظر نموده و با تغییر رأی مزبور رسیدگی به ادعای اشخاص حقیقی یا حقوقی را نسبت به اموالی که دادگاه‌های انقلاب نامشروع شناخته و مصادره نموده‌اند در صلاحیت دادگاه‌های انقلاب تشخیص می‌دهد بنابراین رأی شعبه ۲۴ دیوان‌عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح و منطبق با موازین قانونی است.

این رأی برطبق ماده واحده قانون وحدت‌رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان‌عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است.

ماده ۶ - بخشی از مصادیق اموال مربوط به ولی فقیه عبارتند از:

- اموال موضوع حکم حکومتی مورخ ۹/۱۲/۱۳۵۷ حضرت امام(ع).
 - اموالی که در اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و دیگر قوانین در اختیار ولی فقیه قرار می‌گیرد.
 - وجوه و اموال مجهول‌المالک، بلاصاحب و ارث بلاوارث.
 - اموالی که بابت تخمیس و خروج از ذمه در اختیار ولی فقیه قرار می‌گیرد.
 - اموال افرادی که از کشور خارج و با گروه‌های محارب (گروه‌های باغی، صهیونیست‌ها و جواسیس سازمان سیا و مانند آنها) ارتباط دارند.
- تبصره -** کالای قاچاق صاحب متواری و بلاصاحب در حکم اموال مجهول‌المالک می‌باشد.

فصل سوم - ترتیب رسیدگی و صدور حکم

ماده ۷ - هر یک از وزارتخانه‌ها، نهادها و سازمان‌ها به ویژه سازمان بازرسی کل کشور در صورت اطلاع از اموال مربوط به ولی فقیه و اصل ۴۹ قانون اساسی مراتب را جهت رسیدگی به دادگاه انقلاب اسلامی اعلام می‌نمایند.

ماده ۸ - دادگاه بر حسب ارجاع به شکایت، درخواست و یا دادخواست‌های واصله مطابق مقررات این آیین نامه و قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۷ مرداد ۱۳۶۳ و موازین جاری رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

تبصره - دادگاه می‌تواند تحقیقات و یا تکمیل آن را رأساً و در صورت اقتضا توسط ضابطین دادگستری، واحد تحقیق دادگاه انقلاب و یا ستاد اجرائی به عمل آورد.

ماده ۹ - ترتیب رسیدگی، صدور حکم و اجرای آن در غیر موارد مصرحه این آیین نامه مطابق قوانین و مقررات عمومی می‌باشد.

تبصره - ستاد اجرایی از پرداخت هزینه‌های دادرسی و اجرای احکام معاف می‌باشد.

ماده ۱۰ - دادگاه حین رسیدگی به اموال موضوع ماده (۶) حسب مورد اقدامات تأمینی لازم را اعمال و پس از احضار مالک یا اعلام مشخصات اموال در یکی از جراید کثیرالانتشار و انقضای مهلت قانونی و عدم مراجعه مالک یا قائم مقام قانونی یا وکیل وی، رأی مقتضی صادر می‌نماید.

تبصره -در مواردی که پرونده مُعدّ صدور رأی نبوده و اموال در معرض تضییع و تلف باشد دادگاه قرار سرپرستی اموال صادر خواهد نمود.

ماده ۱۱ -اموال افرادی که از کشور خارج و رابطه آنها با گروه‌های محارب (گروه‌های باغی، صهیونیست‌ها و جواسیس سیا و مانند آنها) احراز شود از امان خارج و به حکم دادگاه مصادره می‌گردد.

تبصره -انتقال اموال موروثی به ورثه، مشروط بر این است که همکاری ورثه با گروه‌های مذکور احراز نشود.

ماده ۱۲ -املاکی که توقیف و به موجب حکم دادگاه به تملک نهاد ذی‌نفع در می‌آید مشمول مقررات موضوع ماده (۱۲) قانون زمین شهری نخواهد بود.

چنانچه مقررات مزبور پس از توقیف اموال و یا صدور حکم اعمال شده، دادگاه حکم به ابطال اسناد و صدور سند جدید به نام نهاد ذی‌نفع صادر می‌نماید و در صورت واگذاری به غیر وجه حاصله به حساب نهاد مربوطه واریز خواهد شد.

ماده ۱۳ -افرادی که قبل از پایان جنگ تحمیلی از کشور خارج و اموالشان تحت سرپرستی قرار گرفته و دلیل و مدرکی علیه آنان به دست نیامده و دارای وکیل یا ولی قهری یا ورثه در ایران نمی‌باشند اموالشان به نام ستاد اجرایی تملک و پس از کسر مطالبات دولت، حق سرپرستی و خمس (در صورت تعلق خمس به آن) مابقی در حساب امانی نگهداری می‌شود تا در صورت مراجعه مالک یا قائم مقام قانونی یا وکیل وی به آنان مسترد گردد.

تبصره ۱: اموالی که سرپرستی عملی نشده باشد مشمول مقررات این ماده بوده و دادگاه در مورد شمول و اخذ حق سرپرستی وفق ضوابط این آیین نامه اتخاذ تصمیم می‌نماید.

تبصره ۲: چنانچه قبل از تملیک اموال به نام ستاد اجرایی، مالک، ورثه و یا وکیل آنان به دادگاه مراجعه و آمادگی خود را برای پرداخت محکوم‌به (بدهی‌های موضوع دادنامه) اعلام نمایند دادگاه ضمن توقف نمودن تملکی اموال به نام ستاد اجرایی دستور لازم را جهت اخذ بدهی‌های موضوع دادنامه (حداکثر ظرف ۶ ماه از تاریخ توقف) و تحویل اموال به آنان صادر می‌نماید.

تبصره ۳: در مورد افرادی که از استیمان جمهوری اسلامی خارج شده اند وکیل و یا ولی قهری اعتبار ندارد.

ماده ۱۴ -در مواردی که حکم به تملیک اموال به نام ستاد اجرایی و یا استرداد اموال به مالک صادر می‌شود، کلیه هزینه‌هایی که نهاد سرپرستی کننده به منظور حفظ و نگهداری و یا جهت توسعه و عمران و آبادی مال مورد سرپرستی، سرمایه گذاری نموده است بنا به درخواست مرجع سرپرستی کننده دادگاه، به موضوع رسیدگی و تصمیم لازم اتخاذ می‌نماید.

تبصره ۱: کسر هزینه‌های به عمل آمده مقدم بر اخذ حق سرپرستی و خمس می‌باشد.

تبصره ۲: در مواردی که دادگاه حکم به تخمیس و اخذ حق سرپرستی اموال صادر نموده است، محاسبه خمس پس از کسر هزینه‌های به عمل آمده و حق سرپرستی انجام می‌شود.

ماده ۱۵ -افرادی که قبل از پایان جنگ تحمیلی از کشور خارج و اموالشان تحت سرپرستی قرار گرفته و دلیل و مدرکی علیه آنان به دست نیامده در صورتی که مالک، وکیل، ولی قهری یا ورثه آنان تا قبل از صدور حکم قطعی مراجعه نمایند، حق سرپرستی و خمس (در صورت تعلق خمس به آنها) محاسبه، اخذ و اموال به آنها مسترد می‌گردد.

ماده ۱۶ -ملاک محاسبه حق سرپرستی، ارزش کارشناسی اموال و منافع حاصله در زمان قطعیت حکم به ازای هر سال پنج درصد از تاریخ شروع سرپرستی تا تاریخ قطعیت حکم می‌باشد و چنانچه اموال، سرپرستی عملی نشده باشد به ازای هر سال دو و نیم درصد ارزش کارشناسی اموال از تاریخ رها شدن (در صورت معلوم بودن تاریخ آن) و در غیر این صورت از تاریخ صدور قرار سرپرستی لغایت قطعیت حکم ملاک عمل خواهد بود.

ماده ۱۷- در مواردی که مالک مسلمان بوده و دارای وکیل و یا قائم مقام قانونی باشد و ملک همچنان در اختیار مستأجر آنان و یا در تصرف افرادی باشد که از طرف آنان اجازه داشته اند از شمول سرپرستی خارج می‌باشد.

ماده ۱۸- اموال به جا مانده افرادی که بعد از پایان جنگ تحمیلی از کشور خارج و دلیل و مدرکی علیه آنان به دست نیامده از شمول سرپرستی خارج و چنانچه این اموال تحت سرپرستی باشد دادگاه بدون اخذ حق سرپرستی، حکم به تحویل اموال به مالک یا قائم مقام قانونی او صادر می‌نماید.

ماده ۱۹- در مواردی که دادگاه حکم بر ضبط کلیه اموال صادر می‌نماید در صورت حضور مالک یا احرار استحقاق و نیاز آنان نسبت به تعیین مستثنیات (منزل مسکونی متعارف و اثاث‌البیت) اتخاذ تصمیم خواهد نمود. در سایر موارد و نیز مورد فوق در صورت وجود افراد واجب‌النفعه که فاقد امکانات زندگی باشند باید زندگی آنان به طور متعارف تأمین شود.

تبصره ۱: در مواردی که به جهت عدم حضور مالک یا افراد واجب‌النفعه وی مستثنیات تعیین نگردیده است در صورت مراجعه، حسب مورد به درخواست آنان در دادگاه صادرکننده حکم قطعی یا دادگاه جانشین در خصوص مستثنیات نیز اتخاذ تصمیم خواهد شد.

تبصره ۲: مستثنیات تعیین شده و هزینه‌های تأمین زندگی متعارف برای افراد واجب‌النفعه نباید بیش از اموال استرداد و یا بیش از حق سرپرستی نهاد ذی‌نفع باشد.

تبصره ۳: مواردی که اموال به جا مانده از محکومین به تشخیص دادگاه کلاً مستحق للغیر باشد از شمول این ماده خارج است.

تبصره ۴: در موارد صدور حکم به تملیک و اخذ حق سرپرستی و خمس در صورت مراجعه مالک و عدم تکافوی مانده بهای مقوم یک منزل مسکونی متعارف از شمول اخذ سرپرستی و خمس معاف می‌باشد.

تبصره ۵: مفاد این ماده و تبصره‌های آن شامل احکام سابق‌الصدور نیز می‌باشد.

ماده ۲۰- ستاد اجرایی ضمن عهده دار بودن سرپرستی اموال توقیفی می‌تواند به عنوان مالک یا قائم مقام وی حسب مورد نسبت به اموال در اختیار ولی فقیه یا اموال توقیفی در کلیه مراجع قضایی و قانونی و در کلیه مراحل دادرسی و اجرا جهت طرح دعوی، اعتراض، دفاع و استیفای حقوق خود شرکت نماید.

تبصره- کلیه قرارهای سرپرستی و احکام مواردی که از مصادیق اموال در اختیار ولی فقیه است صرفاً به نفع ستاد اجرایی صادر خواهد شد.

ماده ۲۱- در مواردی که حکم به نفع سایر نهادها صادر شده و لیکن نهاد ذی‌نفع اموال را شناسایی نکرده و یا پس از شناسایی، اعمال سرپرستی ننموده دادگاه مبادرت به صدور حکم تکمیلی به نفع ستاد اجرایی می‌نماید.

فصل چهارم- واخواهی، تجدیدنظر و فرجام خواهی

ماده ۲۲- احکام صادره از هیأت‌های قضایی و محاکم رسیدگی کننده به پرونده‌های مربوط به فرامین حضرت امام^ع و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) که تا تاریخ ۱۰/۳/۱۳۷۹ تنفیذ شده است قطعی و غیرقابل تجدیدنظر (تحت هر عنوانی از قبیل واخواهی، اعاده دادرسی، فرجام خواهی و...) بوده و از هر حیث دیگر تابع مقررات و ضوابط حاکم در زمان صدور حکم می‌باشد.

ماده ۲۳- آرای دادگاه‌ها از حیث واخواهی، تجدیدنظر، فرجام خواهی، حسب مورد با رعایت ماده (۳) این آیین نامه صادر می‌شود.

ماده ۲۴- دادگاه در صورت صدور رأی برائت یا قرار منع پیگرد و یا موقوفی تعقیب، ملزم است طبق مقررات و ضوابط تعیین شده در خصوص هزینه‌های به عمل آمده، حق سرپرستی و خمس، رأی مقتضی صادر نماید.

تبصره- در صورتی که دیوانعالی کشور رأی صادره مبنی بر ضبط، مصادره و تملیک را نقض بلاارجاع نماید، پرونده را به دادگاه صادرکننده رأی اعاده تا در خصوص موارد مذکور در این ماده رأی مقتضی صادر نماید.

فصل پنجم- ابلاغ و اجرای احکام

ماده ۲۵- ابلاغ دادنامه حسب مورد طبق مقررات آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و مدنی به عمل خواهد آمد.

تبصره- رأی دادگاه در خصوص اموال در اختیار ولی فقیه و اموال تحت سرپرستی ستاد اجرایی به نهاد مذکور ابلاغ خواهد شد.

ماده ۲۶- دادگاه صادرکننده حکم یا دادگاه جانشین، دستور اجرای حکم را صادر و اجرای حکم حسب مورد طبق مقررات آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و مدنی، احکام صادره را به موقع اجرا می‌گذارد.

تبصره ۱: عملیات اجرایی احکام صادره راجع به اموال در اختیار ولی فقیه توسط ستاد اجرایی تحت نظارت قاضی اجرای احکام انجام و چنانچه اجرای حکم مستلزم دخالت ضابطین یا دستور قضایی خاص باشد حسب مقررات از سوی مرجع قضایی اقدام مقتضی به عمل خواهد آمد.

تبصره ۲: احکام غیابی راجع به اموالی که از مصادیق ماده (۶) این آیین نامه تشخیص داده می‌شود بدون معرفی ضامن یا اخذ تأمین از ستاد اجرایی به موقع اجراء گذارده و در صورت مراجعه محکوم‌علیه و ثبوت استحقاق وی در مرجع قضایی، حقوق متعلقه از سوی ستاد اجرایی تأمین و تدارک می‌شود.

ماده ۲۷- در مواردی که حکم به تملیک یا ضبط و یا تحویل اموال به مالک صادر می‌گردد با درخواست ذی‌نفع یا قائم مقام قانونی و یا وکیل آنان، اجرای احکام ملزم است ظرف دو ماه حسب مورد دستور تخلیه، رفع تصرف، خلع ید و... صادر نماید.

چنانچه عین محکوم‌به، در تصرف کسی غیر از محکوم‌علیه باشد این امر مانع اجرای دستور نخواهد بود، مگر اینکه متصرف مدعی حقی از عین یا منافع آن بوده و دلایلی هم ارائه نماید، در این صورت قاضی مجری حکم یک ماه به او مهلت می‌دهد تا به دادگاه صلاحیت دار مراجعه و در صورتی که ظرف دو ماه از تاریخ مهلت مذکور قراری دائر به تأخیر اجرای دستور به قسمت اجرا ارائه ننماید، عملیات اجرایی ادامه خواهد یافت.

مقررات مربوط به دادرسی فوری در این خصوص لازم‌الرعايه می‌باشد.

تبصره ۱: در موارد صدور قرار سرپرستی، اجرای ترتیبات مذکور با دادگاه صادرکننده قرار می‌باشد.

تبصره ۲: دادگاه ملزم است خارج از نوبت به ادعای مزبور رسیدگی و رأی مقتضی صادر نماید.

تبصره ۳: ترتیبات مذکور مانع از رسیدگی به درخواست تخلیه نهاد ذی‌نفع در سایر محاکم نخواهد بود.

تبصره ۴: مکان تجاری که بدون دریافت وجهی به عنوان حق کسب و پیشه و یا سرقتی از طرف نهاد سرپرستی کننده در اختیار اشخاص قرار گرفته مشمول حق کسب و پیشه و یا سرقتی نمی‌باشد.

ماده ۲۸- رفع ابهام و اجمال از حکم با دادگاه صادرکننده حکم قطعی یا دادگاه جانشین است، لیکن رفع اشکالات مربوط به اجرای حکم توسط دادگاهی که زیر نظر آن اجرا می‌شود، به عمل خواهد آمد.

ماده ۲۹- به منظور ابهام، اشتباه، اجمال، مشکلات مربوط به اجرای احکام و رفع تعارضات احکام صادره که تا تاریخ ۱۰/۳/۱۳۷۹ قطعیت یافته به شرطی که متضمن لطمه به اساس حکم نباشد، هیئتی مرکب از یک نفر رئیس و دو عضو مستشار با ابلاغ رئیس قوه قضائیه در تهران تشکیل می‌شود که جلسات آن با حضور تمامی اعضا رسمیت یافته و بعد از استماع اظهارات و گزارشات نهادهای ذی‌نفع، نظر اکثریت اعضای هیأت لازم‌الاجرا خواهد بود.

تبصره ۱: هیأت مزبور به تعداد لازم عضو علی‌البدل خواهد داشت و عضو علی‌البدل می‌تواند وظایف هر یک از اعضای هیأت را عهده دار گردد، به هر حال ریاست هیأت با رئیس ستاد نظارت و پیگیری اصل ۴۹ می‌باشد.

تبصره ۲: ضوابط و مقررات حاکم در زمان صدور احکام، ملاک عمل هیأت مزبور خواهد بود و درخواست رفع ابهام و اجمال، منحصراً با قضاتی است که طبق مقررات این آیین نامه پرونده تحت نظر آنان قرار می‌گیرد.

ماده ۳۰- در اجرای آرای صادره، محکوم‌علیه مکلف است حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ قطعیت رأی محکوم‌به را تأدیه نموده و یا با توافق محکوم‌له ترتیب پرداخت آن را بدهد. در صورت استتکاف طبق قوانین و مقررات جاری عمل خواهد شد.

این اصلاحیه در (۳۰) ماده و (۲۸) تبصره پس از تصویب و ابلاغ رئیس قوه قضائیه برای شعب دادگاه‌های رسیدگی کننده و تجدیدنظر و دیوانعالی کشور لازم‌الاجرا می‌باشد و آیین نامه مورخه ۸/۵/۱۳۸۰ و سایر مقررات مغایر با این اصلاحیه ملغی‌الاثرب می‌گردد.